

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اعضای گروه :



حدیثہ محمد پور - نوهی ایشادگر



سونیا غریبی - برادر زاده ی شحید



سباہا حسواری - فرزند جانباز



ہستی علیخانی - نوهی شحید



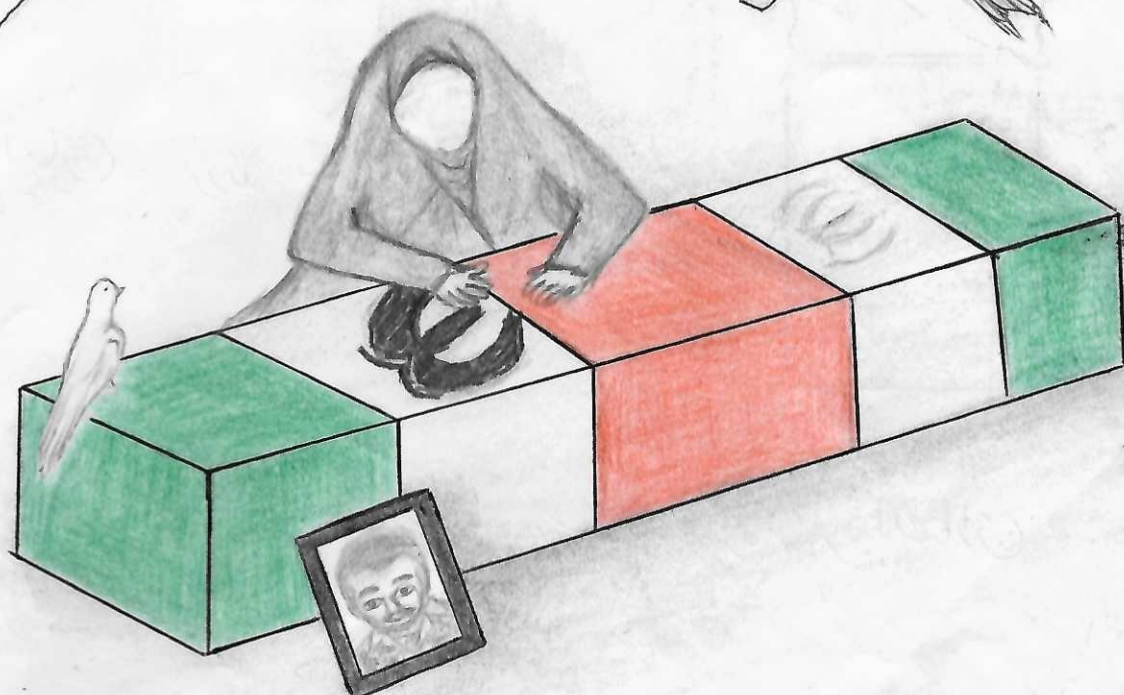
سارا اکمالی - فرزند ایشادگر

مدیرہ شہیدہ طاہرہ انصاری

رکنہ تحفیلی : انسانی
پایہ دھم



شهد إبراهيم عريبا

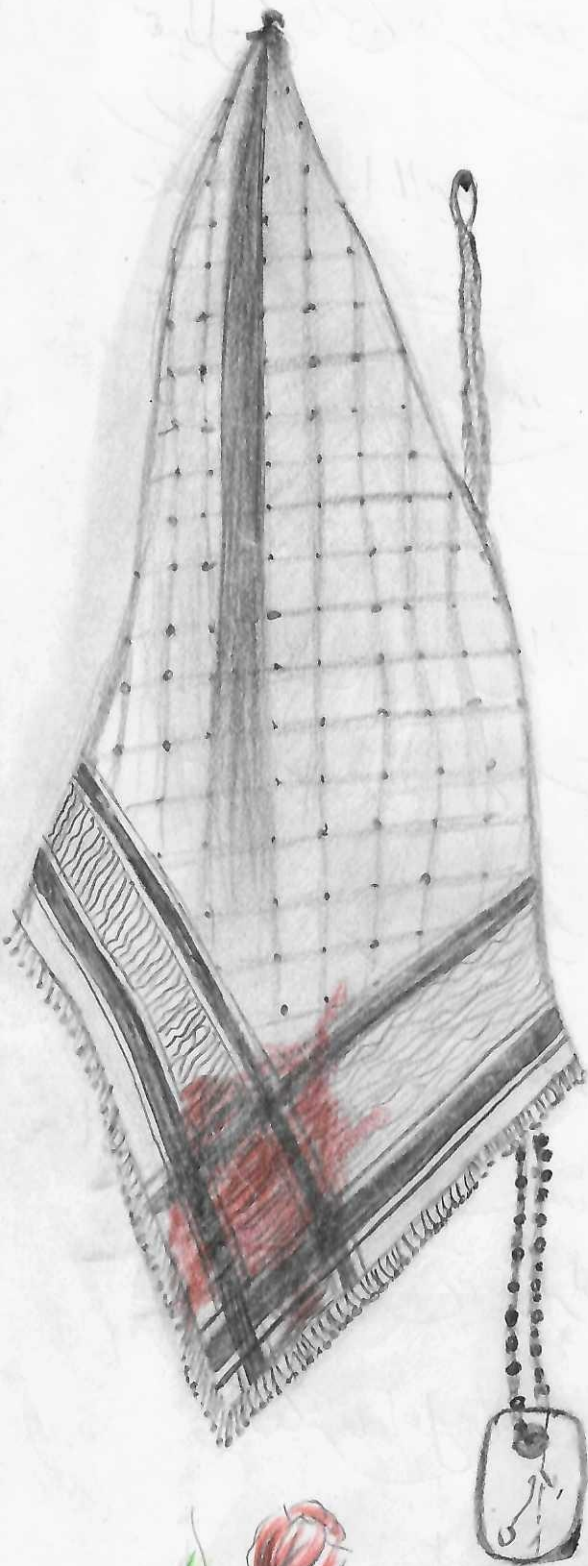


سوالات

- ۱- جنگ تحلی عراق علیه ایران جنگ سال طول کشید؟
- ۲- یار موج است؟
- ۳- از ماشین خلی که چه چیزها وجود داشت؟
- ۴- گل شهادت علم الهدی و یارانش کدام یارسان بود؟
- ۵- من و تو!

- ۶- از یارسان های هست سال دفاع مقدس در نزدیکی شهرستان خوزستان؟
- ۷- گل شهادت شهید آوینی در این منطقه می باشد؟
- ۸- از درس های دوست داشتنی دوره ابتدایی؟
- ۹- فرمانده و بنیانگذار جنگ های نامنظم در جریان جنگ ایران و عراق؟
- ۱۰- نامی سپرانه به معنای یاری کننده؟
- ۱۱- مخالف آشتی است؟
- ۱۲- جنگ تحلی در چه سالی به پایان رسید؟
- ۱۳- داماد در روز داسدی می پوشد؟
- ۱۴- عدد اول؟
- ۱۵- شهری مذهبی در استان خراسان؟
- ۱۶- قلب قرآن؟
- ۱۷- سدی در استان خوزستان؟
- ۱۸- نام علیایی که بعد از پایان جنگ تحلی علیه تو ولد منافقین انجام شد؟
- ۱۹- مادر به زبان عربی؟
- ۲۰- نگار حرف است؟
- ۲۱- آرمی یا --- لازم است.

- ۲۲- افترا زدن به دیگران؟
- ۲۳- از فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) که در عملیات خیبر به شهادت رسید.



شهیال عاشقی در خدایند

به فلک کس نه مالوا بلایند

شهیال نه که نور آینه زیند

حدید بازه اسر نه بلایند

شهیال قلم در عرصه جنگ

به طوفان کجایان را نماندایند

قلم نه پیر پرواز عشق است

به لوح عاشق در آستانند

به سر عمامه اسر نه نور ایمان

علی ما دشمن است مقتدایند

شهیال چو پیر سویر کشیدند

پیر سویر ما اهل سمانند



زندگینامه شهید ابراهیم غریبی

شهید ابراهیم غریبی در یکی از روستاهای شهرستان میانه به اسم بالسن در یک خانواده پرجمعیت و مذهبی و متوسط زندگانی می کرد.

ایشان فری با ایمان و با خدا بود و در هر حال در برابر ظلم و ستم استیلاگانی می کردند. ایشان با همه با لطف و مهربانی رفتار می کرد به طوری که همه ی اعضای خانواده و اهالی روستا به او احترام خاصی می گذاشتند. شهید ابراهیم غریبی قبل از اعزام شدن به میدان جنگ و جبهه برای دفاع و حفظ کشور در برابر هجوم و عملیات بیگانه گان ازدواج کرده بود و خانواده ای تشکیل داده بود. او بخاطر جنگی که رژیم بعثی عراق بر ما تحمیل کنند، از خانه و خانواده خود وزن باردار خود گذشت و با شجاعت و اقتدار به میدان جنگ رفت.

ایشان در نیروی سپاه در منطقه ای به نام شیخ محمد حضور داشتند و خدمت می کردند. بعد از چند سال نذاکاری و خدمت در میدان جنگ، بدون اینکه حتی نقطه ای از فرزند خود را دیده باشند، مفقود الاثر شدند. خانواده وزن و فرزند ایشان سالیان زیادی انتظار آمدن او را کشیدند و در فکر اینکه ایشان اسیر شده اند روز شب خود را سپری می کردند.

بعد از سال ها انتظاری که خانواده ی او تحمل کرده بودند، خبری به آنها رسید که از شهادت او در میدان جنگ به آنها اطلاع دارند. هیچ حسیدی از او پیدا نکردند و تنها یک پلاک به جملاندن از او آوردند. و تنها با گرفتن پلاک شهید ابراهیم غریبی خانواده و فرزند ایشان آرام گرفته و از سر درگمی در آمدند. زیرا که آن پلاک نشان شهادت کسی را می داد که جان خود را برای وطن خود و ناموس تمام ایرانیان فدا کرده بودند و تاریخ شهادت ایشان را ۲۷/۳/۱۳۹۷ ثبت کرده اند.

مصاحبه ای با برادر شهید غربی

- 1- برادر شما در چه سالی متولد شد؟ سال ۱۳۳۹
- 2- شهید غربی در چه سنی به جبهه رفته اند؟ در سن ۲۰ سالگی
- 3- ایشان در کجا خدمت می کردند؟ کلبی از نیردهای سپاه
- 4- شهید غربی در کدام منطقه حضور داشتند؟ شیخ محمد
- 5- برادر شما در چه سالی شهید شدند؟ سال شهادت راننی دانستم د فکر کردم اسیر شده اند
- 6- ایشان در کدام منطقه به شهادت رسیدند؟ منطقه شیخ محمد



زندگینامه شهید لطف الله علیخانی

سید سید لطف الله علیخانی به تاریخ ۲۸ دی ۱۳۱۷ در شهر میانه به دنیا آمد. نام پدرش (اس) یونس بود و با شغل سرتیف کشاورزی روزگار گذراند. مادرش شهید عزیز عفت نوری نام داشت. لطف الله درس خوانده و به روال آن روزگار برای کمک به خانواده همت گماشت و به کشاورزی پرداخت.

زمانی که به سرپازی رفت و خدمتش را به پایان رساند، بنایی را به عنوان شغل اصلی خود قرارداد.

ایشان در تاریخ ۲۰ محسن ۱۳۴۵ ازدواج کردند و چهار فرزند از ایشان به یادگار ماند. بعد از پیروزی انقلاب و تحلی که در جامعه آن روزگار ایران اتفاق افتاده بود، او نیز به شخص خود به فصل فرزندان انقلاب

اسلامی پیوست و با آغاز جنگ نابرابر و ظالمانه صدام بعثی به عنوان رزمنده سید به جبهه های حق علیه باطل شتافت. ایشان دوبار خود و دو بار هم فرزند نوجوانش را برای دفاع از عزت و شرف عازم مناطق جنگی کردند.

با شکست امپراتوران عراقی در مقابل رزمندگان، صدام دغی عرصه را بر خود تنگ دید، به کارناستوارف و حمایت کمینر دیگر دست یازید و آن استفاده از بیب های شیمیایی اعدایی کشورهای غربی بود. شهید علیخانی آخرین بار در جبهه جنوب و در عملیات والفجر در منطقه فاو بعنوان رزمنده شرکت کرد و در یکی از چندین باری که دشمن بعثی اقدام به بمباران شیمیایی کرده بود، به شدت مسموم شدند و سر انجام در تاریخ ۴ اسفند ماه ۱۳۴۶ بر اثر عوارض ناشی از مواد شیمیایی به نفس عظیم شهادت نایل شدند.

پیکر پاک این شهید بزرگوار، با شکوه هر چه عام در شهر میانه، تسبیح در کنار دیگر شهدای جنگ، آرام گرفت.

